روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمدعلی وکیلی
دفتر مرکزی: تهران، زرتشت غربی نرسیده به بیمارستان مهر، پلاک ۵۶، طبقه سوم، واحد ۵
فاکس: ۸۸۹۷۵۷۰۹ **تلفن:** ۸۸۹۷۵۷۱۰-۸۸۹۹۴۶۰۹
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۰۰۰۴۰۴۰۰۰ ebtekarnews@chmail.ir
سازمان آگهی ها: ۰۹۱۲۳۴۰۹۶۱۴ **سازمان شهرستان‌ها:** ۶۶۵۶۷۷۶۷-۶۶۵۶۷۷۶۹
توزیع: شرکت نشرگسترامروز چاپ: روزتاب- ۴۴۵۴۵۰۷۶

همین حوالی

جای پارک

الهام نظری

خانه ما در خیابانی واقع شده که بخش زیادی از ساختمان‌ها اداری هستند و معمولا به دلیل وجود ساختمان‌های اداری جای پارک ماشین زود پر می‌شود و خیابان شلوغی است. صبح‌های زود کارمندها توی خیابان دنبال جای پارک هستند و هر کس که زودتر می‌رسد جای پارک بهتری نصیبش می‌شود. چند روز پیش پدرم برای یک ماموریت کاری باید دو روز به تبریز سفر می‌کرد. صبح زود وسایلش را جمع کرد و با عجله از خانه بیرون زد. در پارکینگ را باز کرد تا ماشین را بیرون بیاورد که دید یک ماشین سفید رنگ رو به روی در پارکینگ ما پارک کرده است و او نمی‌تواند ماشین را بیرون بیاورد. زنگ خانه را زد و از ما پرسید که می‌دانیم این ماشین برای چه کسی است یا نه، که هیچ کدام نمی‌دانستیم. بعد شروع کرد زنگ تمام خانه‌ها و ساختمان‌های اداری و تمام طبقات را زدن که صاحب ماشین را پیدا کند. من هم رفتم توی خیابان و با هم شروع کردیم تمام ساختمان‌های اداری و حتی مدرسه‌ای که نزدیک خانه است را رفتن تا صاحبش را پیدا کنیم که پیدا نشد.

کم‌کم همه همسایه‌ها فهمیدند که پدرم بسیار عجله دارد و ماشینی که روبه‌روی در پارکینگ ما پارک کرده است صاحبش مشخص نیست. بعد پیشنهادها شروع شد که به شهرداری یا ۱۱۰ زنگ بزنیم تا برای سد معبر هم جریمه شود و هم ماشین را ببرند. بعضی‌ها پیشنهاد می‌کردند که اگر جای پدرم بودند حتما چهار چرخ را پنچر می‌کردند. من هم اصرار داشتم که زنگ بزنیم تا برای بردن ماشین بیایند اما پدرم گوش نکرد و گفت صاحبش به دردسر می‌افتد. وسایلش را برداشت و گفت هر کسی که باشد می‌آید و ماشینش را می‌برد و فقط یک یادداشت زیر برف‌پاک‌کن ماشین گذاشت که راننده‌اش بداند که ما را در چه دردسری انداخته و مجبور شد با اتوبوس سفرش را به تبریز برود. اما من تمام روز تا شب پشت پنجره کشیک می‌دادم تا ببینم چه کسی صاحب ماشین است. تا فردای آن روز کسی ماشین را برنداشت و جلوی در خانه مانده بود. همسایه‌های دیگر ساختمان هر کدام با عصبانیت لگدی به ماشین می‌زدند تا از صدای آژیرش بشود راننده را پیدا کرد اما علاوه بر این که هم چنان روبه‌روی پارکینگ بود، باید صدای آژیر بلندش را هم تحمل می‌کردیم که کسی خاموشش نمی‌کرد. آن شب و فردایش همه همسایه‌ها به ناچار ماشین‌ها را در خیابان پارک کردند یا اگر ماشین‌شان توی پارکینگ بود نتوانستند بیرون بیاورند. تمام آن روز به این فکر می‌کردم که چرا راننده به این که کجا ماشینش را می‌گذارد فکر نکرده. حتی یکی از همسایه‌ها احتمال دزدی را داد و گفت احتمال دارد که ماشین دزدی باشد و باید به پلیس خبر دهیم. یکی از همسایه‌ها نگران پدر مریضش بود که می‌گفت اگر نیمه شب حالش بد شود، ماشین داخل پارکینگ است و نگران است که چه کار کند. آن شب گذشت و همه منتظر بودیم تا صاحب ماشین را پیدا کنیم. آن قدر همه عصبی شده بودند که به فکر کتک زدن راننده هم افتادند و این جمله مدام بین همه می‌چرخید: «بذار ببینمش!» فردای آن روز بعد از ظهر راننده ماشین آمد. یک دفعه صدای همگی از پنجره‌ها شنیده می‌شد که به راننده می‌گفتند صبر کند. بعد از لحظاتی خیابان از صدای دعوای همه اهالی پر شده بود. یک مرد میانسال راننده ماشین بود که ماشینش را پارک کرده بود و رفته بود. بعد از این که داد و بیدادهای همگی را شنید تنها یک ببخشید گفت، سوار ماشینش شد و به سرعت رفت. وقتی این برخورد را از راننده دیدند بیشتر عصبانی شده بودند و یکی می‌گفت که شماره ماشین را برداشته و می‌توانیم از او شکایت کنیم. شیوه برخوردش انگار ما را عصبانی‌تر کرده بود و خشونتی را که نتوانسته بودیم به خودش نشان دهیم داشتیم سر همدیگر خالی می‌کردیم. آن راننده رفت اما مشکل ما حل نشده است. این که باید ساده‌ترین قاعده رانندگی را همیشه با فریاد و پنجره خانه به ماشین‌هایی که وارد خیابان‌مان می‌شوند بگوییم.

ماشین‌بازی

نگاهی به گذشته در آینده

فولکس‌واگن پس از بحران دیزل‌گیت رویه خود را کاملاً تغییر داده و قصد دارد توجه بیشتری بر ساخت خودروهای الکتریکی داشته باشد. در همین راستا، این شرکت کانسپت تمام الکتریکی ID را چند ماه پیش در نمایشگاه پاریس معرفی کرد که آغازگر راه خودروهای الکتریکی آینده فولکس‌واگن است. حال این سازنده آلمانی قصد دارد دومین مدل از محصولات الکتریکی سری ID خود را در نمایشگاه دیترویت ۲۰۱۷ معرفی کند. این کانسپت که ID Buzz نام دارد، یک ون الکتریکی است که ظاهر آن با نگاه و الهام از نسل اول ون‌های ترنسپورتر کلاسیک و نوستالژیک فولکس‌واگن طراحی شده است.

نسل نخست ون مشهور ترنسپورتر که بر اساس مدل محبوب بیتل ساخته شده بود، برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ معرفی شد و یکی از محصولات نمادین و کلاسیک‌های دوست‌داشتنی فولکس‌واگن محسوب می‌شود. این ون‌ها با نام‌های مختلفی همچون میکروباس به بازار عرضه شده و محبوبیت بالایی کسب کردند. حال این غول خودروسازی دنیا قصد دارد با الهام از ترنسپورتر قدیمی و اعمال ویژگی‌های طراحی آن بر روی کانسپت آینده‌نگر ID Buzz، نشانه‌هایی از گذشته خود را در آینده به نمایش درآورد. کانسپت ID Buzz به‌عنوان یک میکروباس چهارچرخ محرک برای آینده طراحی شده است و تعدادی از فناوری‌های پیشرفته را در دل خود جای داده است. همچنین این کانسپت ادامه‌دهنده راه کانسپت Budd-E است که سال گذشته معرفی شد. در زیر پوست ID Buzz یک بسته باطری بزرگ ۱۱۱ کیلووات ساعتی نصب شده که نیروی موردنیاز دو موتور الکتریکی ون را تأمین می‌کند. یکی از این موتورها در محور جلو و دیگری در محور عقب نصب شده‌اند و مجموعاً ۳۷۰ اسب بخار قدرت دارند. فولکس‌واگن می‌گوید ون Buzz می‌توان با تکیه بر این موتورها در تنها ۵ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۹۶ کیلومتر در ساعت دست پیدا کند درحالی‌که با یک‌بار شارژ کامل باطری‌ها نیز توانایی پیمودن ۴۳۵ کیلومتر را دارد.

اما شاید مهم‌ترین ویژگی قوای محرکه این کانسپت الکتریکی زمان شارژ باطری‌های آن باشد که با شارژرهای ۱۵۰ کیلوواتی ۸۰ درصد آن‌ها در کمتر از ۳۰ دقیقه شارژ می‌شوند. این ون بر روی پلت‌فرم MEB فولکس‌واگن ساخته شده و این شرکت می‌گوید که در آینده به‌راحتی امکان ساخت نمونه تولیدی آن با قوای محرکه دیفرانسیل عقب با ۲۷۰ اسب بخار قدرت و باطری‌های کوچک‌تر ۸۳ کیلووات ساعتی وجود دارد. همانند کانسپت اول ID که سال گذشته در نمایشگاه پاریس ۲۰۱۶ رونمایی شد، کانسپت دوم ID Buzz نیز به فناوری رانندگی خودکار مجهز شده است به‌گونه‌ای که فولکس‌واگن ادعا می‌کند این خودرو اولین MPV کاملاً خودران جهان است. در این خودرو به‌سادگی و فقط با فشردن یک دکمه، غربیلک فرمان به داخل داشبورد جمع شده و Buzz با استفاده از سنسورهای لیزری، سنسورهای اولتراسونیک، رادارها، دوربین‌های جانبی و یک دوربین جلو به‌صورت کاملاً مستقل و خودکار رانندگی می‌کند. فولکس‌واگن می‌گوید توانایی رانندگی خودکار این ماشین می‌تواند تا سال ۲۰۲۰ به تولید برسد.

در بخش طراحی بیرونی، همان‌طور که اشاره شد Buzz الهاماتی از ون میکروباس قدیمی گرفته است اما از سوی دیگر این کانسپت شباهت‌های زیادی هم با کانسپت قبلی Budd-E دارد. با این وجود تعدادی عناصر کلیدی جدیدی هم در آن بکار رفته است که برخی از آن‌ها برای اولین بار در کانسپت ID نشان داده شدند. از تغییرات قابل‌توجه Buzz نسبت به Budd می‌توان به بازنگری کلی در نمای جلویی آن اشاره کرد که نمایانگر زبان طراحی سری ID فولکس‌واگن است که در آینده در خودروهای تولیدی این سری بکار خواهد رفت. این زبان طراحی شامل چراغ‌های جلوی LED جذاب، سپرهای کاملاً یکپارچه با بدنه و چراغ‌های عقب LED بسیار باریک و خطی می‌شود. برای اشاره بیشتر به ترنسپورتر T۱، سه دریچه هوا در ستون عقب طراحی شده و بدنه خودرو نیز به‌صورت دو رنگ رنگ‌آمیزی شده است که اتصالی میان گذشته و آینده برقرار می‌کند.

این ون در داخل خود توانایی حمل هشت نفر را در سه ردیف صندلی دارد.

همان‌طور که اشاره شد، پس از فعال کردن رانندگی خودکار برای ایجاد فضای بیشتر، غربیلک فرمان به داخل داشبورد می‌رود. همچنین به دلیل وجود فناوری رانندگی کاملاً خودکار، صندلی‌های جلو به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌توانند به‌صورت ۳۶۰ درجه چرخیده و روبروی صندلی‌های ردیف وسط قرار گیرند.

همچنین این صندلی‌ها قابلیت تا شدن دارند که آن‌ها را به یک میز بزرگ تبدیل می‌کند. مهندسین فولکس‌واگن تا جایی که امکان داشته است اوورهنگ‌های ID Buzz را کوتاه نموده و فاصله محوری آن‌را به حداکثر رسانده‌اند که این امر موجب ایجاد کابین بسیار جاداری شده است.

منبع: پدال (pedal.ir)

معرفی کتاب

عمارت نیمه‌شب

«عمارت نیمه‌شب» نوشته سپیده سیاوشی توسط نشر چشمه در ۹۲ صفحه روانه بازار کتاب شده است.

سپیده سیاوشی دومین کتاب خود را بعد از پنج سال منتشر کرده است. مجموعه داستان قبلی او که با نام فارسی بخند در ۱۳۹۰ چاپ شد توانست جایزه بهترین مجموعه داستان اول بنیاد هوشنگ گلشیری را بگیرد. همچنین بسیاری از تک‌داستان‌های او نیز در جشنواره‌های مختلف جوایز و مقام‌هایی به دست آورده‌اند که نشان‌دهنده تسلط این نویسنده است بر کار در حوزه داستان کوتاه.

«عمارت نیمه‌شب» ده داستان کوتاه است که در فضاها و مکان‌های گوناگون روایت می‌شوند. بحران‌های خاموش شخصیت‌ها و خشونتی پنهان بین آدم‌های عادی جامعه و زنان خونسرد درون‌گرای طبقه متوسط، از عناصر مهم تشکیل‌دهنده جهان داستانی او هستند. سیاوشی از تکنیک دیالوگ‌نویسی به‌خوبی استفاده می‌کند و زبان موجز و روایی‌اش نیز از جمله عناصری است که از او یک داستان کوتاه‌نویس جدی ساخته است. خواننده او با ماجراهایی روبه‌رو می‌شود که در وهله اول عادی و شاید مرسوم به حساب می‌آیند اما هر چه جلوتر می‌روند درمی‌یابد چه التهابی زیر این پوسته در حال فوران است.

روی صحنه

حادثه در ویشی

«حادثه در ویشی» به کارگردانی منیژه محامدی از اول دی در سالن استاد ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه رفته است.

قصه «حادثه در ویشی» نوشته آرتور میلر مربوط به جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه توسط نازی‌هاست اما با جهان امروز و وقایع و اتفاقات پیرامون ما و به خصوص در منطقه و خاورمیانه و به طبع آن در دیگر نقاط دنیا به‌نوعی مربوط است و همسو. میلر در فضایی اکسپرسیونیستی دهشت و هراس و خطر نازی‌های فاشیست را به صحنه می‌کشد. او از هر قشر نماینده‌ای را در ماجرایش وارد می‌کند. بنا به اعتقاد راسخی که نازی ها به پیروی از رایش سوم مبنی بر نژاد برتر داشتند شروع به شناسایی و دستگیری یهودیان کردند...

محمد اسکندری، مهوش افشارپناه، مجید جعفری، فرناز رهنما و محمد نادری بعضی از بازیگران این نمایش هستند.

«حادثه در ویشی» با ترجمه و کارگردانی منیژه محامدی تا ۳۰ دی هر شب ساعت ۲۰:۱۵ به مدت ۷۰ دقیقه در سالن استاد ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر به نشانی خیابان طالقانی، خیابان شهید موسوی شمالی، ضلع جنوبی باغ هنر، جنب خانه هنرمندان به کار خود ادامه خواهد داد.

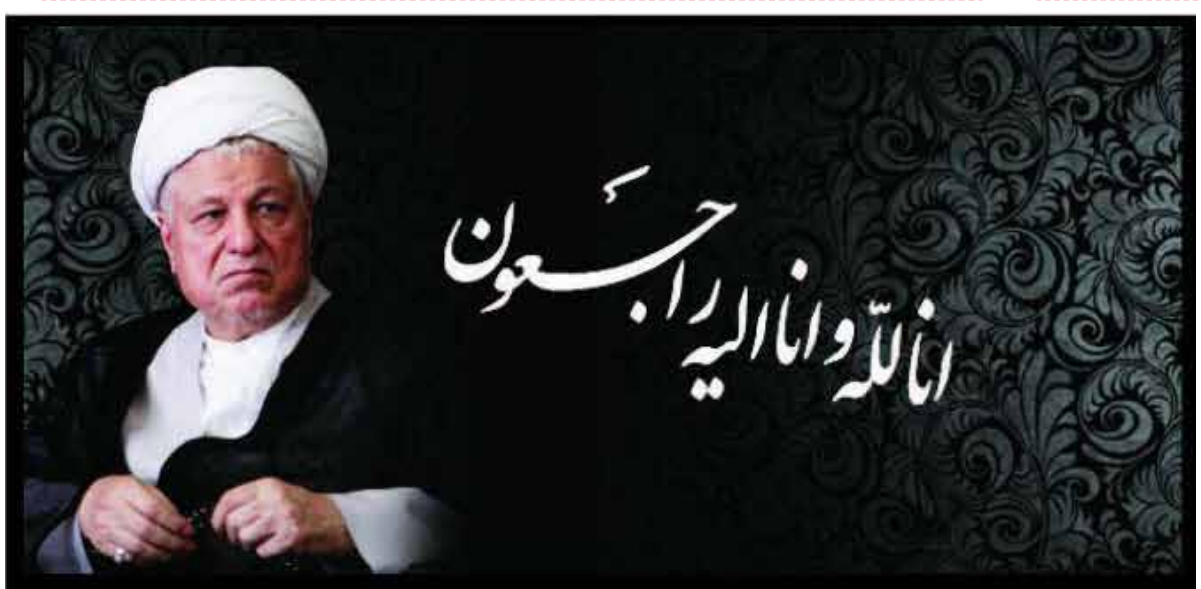

ارتحال جانکاه و ناگهانی یار دیرین و با وفای امـام و رهبری، عالم مجاهد، مبارز نستوه و انقلابی خستگی‌ناپذیر، صبور و مظلوم حضرت آیت الله آقای حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی رضوان الله تعالی علیه که عمر با برکت خویش را در راه اعتلای اسلام ناب محمدی و به ثمر رسیدن و بالندگی انقلاب شکوهمند اسلامی سپری کرد موجب تالم و تاسف عمیق شد. بدین وسـیله به مقام معظم رهبری و امت شهیدپرور ایران اسـلامی و خانواده معظم و معزز ایشان تسلیت عرض نموده، علو درجات آن رادمرد را از خداوند منان خواستاریم.

مدیریت و پرسنل
گروه صنایع غذایی دانش بنیان کوبودنا
KOBO DENA کوبودنا

عکس‌نوشت

وداع با «آیت‌الله»